

بررسی تأثیر دعا بر گرایش‌های متعالی انسان از نظر شیعه

مهاجر مهدوی‌راد*

چکیده

در همه مذاهب اسلامی به دعا توجه شده است. از میان همه این مذاهب، دعا در شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. اهمیت دعا و آثار سازنده آن و نقش مهم گرایش‌ها در نیل به کمال، نویسنده را بر آن داشت که تأثیر دعای شیعی بر گرایش‌های انسان را، که یکی از ساحت‌های وجودی او است، بررسی کند. روش بحث توصیفی تحلیلی است. دعای شیعه، خواندن خدا و میل و رغبت به او است. کمال شیعی قرب الاهی است. دعا با تأثیر بر گرایش‌های متعالی انسان زمینه‌ساز نیل به کمال است. به فعلیت رساندن کمال‌طلبی، حقیقت‌جویی، خداجویی و تمرکز بر معرفت‌بخشی از طریق محتوا به عنوان زمینه گرایش‌ها، اکتسابی‌بودن محبت و امید، تأکید بر عبودیت انسان و توازن بین خوف و رجا از تأثیرهای دعای شیعی بر گرایش‌های انسان است.

کلیدواژه‌ها: دعا، کمال، گرایش‌های انسان، شیعه.

مقدمه

دعا در ادیان نقش و جایگاه مهمی دارد. در میان ادیان مختلف، اسلام بر مسئله دعا تأکیدی ویژه دارد، به گونه‌ای که در روایات شیعی دعا مخّ عبادت تلقی شده است. دعا آثار مختلفی در زمینه پرورش و کمال روحی انسان دارد و بر سه ساحت وجودی اصلی انسان، بینش، گرایش و عمل، تأثیر چشمگیری می‌گذارد. از میان این ساحت‌ها، گرایش‌ها نقش اصلی و محرک را دارند. از این‌رو در بررسی نقش دعا بر کمال انسان در این مقاله به بررسی نقش دعا بر امیال و گرایش‌ها می‌پردازیم.

اهمیت مسئله دعا در تعالی انسان و نیز اهمیت نقش گرایش‌ها در کمال اختیاری انسان از یک سو و لزوم تبیین جایگاه و معارف و کارکردهای دعای مأثور شیعی که میراث به‌جامانده از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است از سوی دیگر، بررسی نقش دعای شیعی بر گرایش‌ها را ضرورت می‌بخشد. دعا پژوهی در شیعه در آثار مختلفی، از جمله شرح دعای سحر موسوی خمینی، نیایش از دیدگاه عقل و نقل اثر ممدوحی، نیایش عارفان اثر فنایی اشکوری و سجاده‌های سلوک اثر مصباح یزدی مطرح شده است، اما این آثار به نقش دعای شیعی بر امیال و گرایش‌های متعالی انسان پرداخته‌اند. این تحقیق به نقش دعای شیعی بر امیال فطری انسان، که مقدمه و محرک نیل به کمال است، می‌پردازد.

نقش دعا در گرایش‌ها از نظر شیعه

«دعا» در لغت به معنای خواندن و حاجت‌خواستن و استمداد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۳۴۴/۲) و متوجه‌کردن شیء به سوی خویش به وسیله صدا و کلام (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۷۹/۲) است. در اصطلاح شیعه، خواندن خدا و میل و رغبت پیدا کردن به سوی او و رابطه برقرار کردن با او است (امینی، ۱۳۹۰: ۱۳)، اعم از آنکه متعلق این خواندن و غرض دعاکننده ستایش خدا یا عرض حاجت یا نیاز (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۷/۱۴) یا هر چیز دیگری باشد.

کمال هر موجود صورت نوعیه و فعلیت اخیری است که آن موجود اقتضای آن را دارد (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۳۴). لذا کمال نهایی انسان آخرین مرتبه کمالات ثانوی یا آخرین فعلیت انسانی است (شیرازی، ۱۴۱۰: ۸۱/۷). کمالی که انسانیت انسان اقتضای آن را دارد.

این کمال اخیر قرب الاهی است و در متون دینی با عنوان‌های مختلفی از جمله فلاح (مؤمنون: ۱)، فوز (توبه: ۱۰۰)، زلفی (الصحیفة السجادية، ص ۲۲۴)، سعادت (هود: ۱۰۸) مطرح شده است. این کمال اختیاری است (انسان: ۳) و در سایه اراده انسان محقق می‌شود (نراقی، ۱۳۸۵: ۷۴/۱). از این رو کمال انسان متوقف بر مقدمات عمل اختیاری است که مثلث میل و آگاهی و قدرت را تشکیل می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۴۲۹) و رسیدن به کمال انسانی متوقف بر فعلیت و کمال‌رساندن حوزه‌های بینش، کنش و رفتار خواهد بود. به منظور تبیین نقش دعا در کمال انسان بایسته است به بررسی نقش دعا در سه حوزه بینش، گرایش و کنش پردازیم، اما از آن جهت که بررسی نقش دعا در هر سه حوزه خارج از حوصله این نوشتار است تأثیر دعا را بر اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل تعالی انسان، یعنی گرایش‌ها بررسی می‌کنیم؛ عاملی که نقش محرک را به سوی کمال ایفا می‌کند (همان).

اهمیت گرایش‌ها در رسیدن به کمال از آن جهت است که رسیدن به کمال اختیاری از راه اراده محقق می‌شود و در واقع اراده تبلور میل و گرایش فطری است، به این معنا که هیچ وقت اراده‌ای نمی‌کنیم مگر اینکه میلی برانگیخته شده باشد (همان: ۴۲۱).

تأثیر دعا بر گرایش‌های انسان

۱. کمال‌طلبی و کمال مطلق‌طلبی

با مراجعه به درون خویش بالوجدان گرایشی را می‌یابیم که ما را به سوی کمال و تحقق آن در خویش می‌کشاند. گرایش یا عشق به کمال از جمله فطرت‌هایی است که همه انسان‌ها بر آن سرشته شده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). علاوه بر کمال‌طلبی، میل روح به کمال در هیچ حدی متوقف نمی‌شود و پویایی به سوی بی‌نهایت است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ ب: ۳۳۴). این گرایش به کمال مطلق فطری انسان است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۴۵/۱) که در رأس کمال‌طلبی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۵۰) و مصداق آن خداوند متعال است که کمال‌لایتناهی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۲۵۸/۱). این گرایش باعث تحریک انگیزه عمیقی در درون انسان به سوی نیل به کمال و نیز حرکت به سوی کمال مطلق می‌شود. تأثیر دعا و مناجات در تأمین این میل بدین شکل است که خداوند می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم» (غافر: ۶۰). در این مرحله

فرد متوجه می‌شود که قدرتی وجود دارد که انسان می‌تواند هر آنچه را کمال می‌داند از آنجا در قالب دعا درخواست کند. ممکن است فرد ابتدا مصداق‌هایی از کمال‌های مادی را مد نظر داشته باشد و به نیت برآورده شدن کمال مادی و ظاهری که خود می‌پندارد به دعا کردن مبادرت کند. این مرحله در واقع ناظر به پایین‌ترین سطح ارضای میل کمال‌طلبی است. علاوه بر آیات مختلف، روایات فراوانی که در زمینه دعا کردن و استجاب آن مطرح شده در ابتدا برای شخص می‌تواند گویای این رهاورد باشد که هر چه می‌خواهی از خدا بخواه که اینجا محل تأمین کمال‌ها و حاجت‌های تو است. همان‌طور که خدا به موسی می‌فرماید: «ای موسی! هر آنچه به آن احتیاج داری حتی علف چهارپایت و نمک خمیر خود را از من طلب نما» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۳۴).

وقتی بنده از طریق دعای مأثور با حضرت حق انس برقرار کرد، رفته‌رفته کمال‌های خویش پنداشته مادی رنگ می‌بازد. دعای شیعی کمال‌های متعالی را به انسان نشان می‌دهد و سطح و جهت خواسته او را تغییر می‌دهد؛ به این معنا که ابتدا فرا می‌گیرد که همان حاجت‌های مادی را نیز برای همه بخواهد؛ حاجت‌هایی نظیر سیری همه گرسنگان، پوشش برهنگان، پرداخت قرض‌ها، برطرف شدن ناراحتی‌ها، شفای بیماران (عاملی کفعمی، ۱۴۰۵: ۶۱۷-۶۱۸) و کمال‌های متعالی و مطلوب نظیر طاعت و بندگی، دوری از معصیت، صدق نیت، هدایت، علم و معرفت به شکل عام و کمال مطلوب هر صنفی از انسان‌ها از جمله زهد برای عالمان، وقار برای سال‌خوردگان، توبه برای جوانان، عفت برای بانوان، تواضع برای اغنیا، صبر برای فقیران (همو، ۱۴۱۸: ۳۴۹-۳۵۰).

در مرحله بعد آشنا شده و این کمال‌ها درخواست می‌شود و در نهایت به کمال نهایی و حقیقی که انقطاع از غیرخدا و پیوستن به او (ابن‌طاووس، ۱۴۰۹: ۶۸۷/۲) و لقای الاهی (همان: ۶۸۶) است، یعنی قرب به حضرت حق، رهنمون می‌شود و با بیان مصداق‌های کمال‌افق جدیدی پیش روی شخص نیایشگر قرار می‌گیرد و با ایجاد معرفت به این کمال‌ها میل و انگیزه کمال‌طلبی انسان تحت تأثیر این معرفت‌ها تحریک می‌شود و از این طریق میل به کمال او به سوی کمال مطلق جهت‌دهی می‌شود و زمینه حرکت به سوی کمال مطلق در شخص فراهم می‌آید.

۲. خداجویی و خداپرستی فطری

فطرت انسانی به گونه‌ای است که به سوی خداوند متعال گرایش دارد (روم: ۳۰؛ اعراف: ۱۷۲)؛ گرایشی که انسان را به سوی شناخت و پرستش خداوند رهنمون می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۷/۱). گرایش فطری دیگر خداپرستی است که در صورت بیداربودن جز با پرستش خدا ارضا نمی‌شود (همان). فرد نیایشگر با توجه به این کشش به سوی معبود و احساس میل به کرنش و تذلل در برابر موجود کامل مطلق که معبود او است در جست‌وجوی راهی برای تأمین و پاسخ‌گویی به این میل درونی است. شناخت خدا و عبودیت در برابر او فقط تأمین‌کننده و پاسخ‌گوی این نیاز اصیل فطری است. دعا که خود عبادت (غافر: ۴۰) بلکه افضل عبادات (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۴۱) و به فرموده پیامبر مَخَّ عِبَادَتٍ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۷) است زمینه شناخت خدا (نک: الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّة، ص ۲۸) و اسماء و صفات او (نک: عاملی کفعمی، ۱۴۱۸: ۴۰۲-۴۱۸) را فراهم می‌آورد، و باعث می‌شود آن خداشناسی اجمالی فرد که با خداجویی فطری تحریک می‌شود در فرد نیایشگر با دعای مأثوره به شناخت عمیق‌تر و تفصیلی‌تری تبدیل شود. مثلاً دعای جوشن کبیر از صفات و اسماء الاهی شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمًا يَا كَرِيمًا يَا مُقِيمًا يَا عَظِيمًا يَا قَدِيمًا يَا عَلِيمًا يَا حَلِيمًا يَا حَكِيمًا» (همان: ۴۰۲). در طول دعا به اسماء و صفات خداوند به تفصیل می‌پردازد و به صفات ذاتی از قبیل علم و حیات و قدرت و اراده اشاره می‌کند و دامنه اسماء و صفات را به فعل می‌کشانند و در واقع دائرةالمعارف کاملی از اسماء و صفات الاهی در این دعا مطرح می‌شود (همان: ۴۰۲-۴۱۱).

از رهگذر بیان اسماء و صفات الاهی در دعا، فرد نیایشگر به شناخت عمیق‌تر و تفصیلی‌تری از خدا می‌رسد و از سوی دیگر با دعا که مغز عبادت‌ها است به تذلل و کرنش و عبودیت در برابر حضرت حق می‌پردازد که این تذلل و عبادت در برابر حضرت حق میل اصیل خداپرستی فطری او را تأمین می‌کند.

۳. حقیقت‌جویی

یکی از گرایش‌های فطری انسان میل به حقیقت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۰/۱۷) که جزئی از حقیقت انسان است و در سرشت و نهاد انسان و اعماق هستی وی ریشه دارد

(مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۱/۲۵۱). نیایشگر در مناجات و راز و نیاز با حضرت حق (حج: ۶)، که حقیقت مطلق (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۹/۶) است، روبه‌رو است. دعای مأثور شیعی شناخت‌هایی راجع به خداوند و اسماء و صفاتش مانند مولا، مالک، عزیز، خالق، عظیم، قوی، غنی، دائم، هادی، غفور و غالب (محمد بن جعفر، ۱۴۱۹: ۱۶۴-۱۶۷) به انسان می‌دهد. همچنین، در قالب دعا راجع به شناخت حقیقت انسان، از جمله عبد بودن، مملوکیت، دلیل بودن، مخلوق بودن، حقیر بودن، ضعیف بودن، فقیر بودن، فانی بودن، زائل بودن، گمراه بودن، تحیر، گناه کاری و مغلوب بودن (همان) معرفت‌بخشی می‌شود؛ و نیز از سوی دیگر، معرفت‌هایی که راجع به انسان کامل، مصادیق و ویژگی‌های آنها (نک: ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲۹۴-۲۹۶) و عالم آخرت، از جمله احوال انسان در آن عالم (همان: ۷۲/۱) و بیان حقایق دیگر در ضمن دعا، بیان می‌شود انسان را با اصیل‌ترین حقیقت‌های عالم، از جمله ذات خداوند متعال و اسماء و صفات ایشان و شناخت انسان و انسان کامل و معاد آشنا می‌کند و میل حقیقت‌جویی انسان را پاسخ می‌دهد.

۴. میل به بقا و جاودانگی

یکی از گرایش‌های اصیل انسان میل به بقا و جاودانگی است که هر انسانی با مراجعه به خویش آن را درون خود می‌یابد؛ میلی که در صورت توجه به آن و پاسخ‌گویی صحیح در تبیین و جهت‌دهی و عمل به اقتضای آن می‌تواند انسان را به کمال برساند و در صورت بی‌توجهی و اقناع‌نکردن به احساس سردرگمی و پوچی منجر می‌شود. توجه به مسئله مرگ و قیامت و آخرت عامل قوی در بازدارندگی انسان از ارتکاب گناه (تحریم: ۶) و اصلاح نفس از رذایل (شعرا: ۸۸-۸۹) و ایجاد انگیزه برای عمل به واجبات و کسب فضایل معنوی است (صافات: ۶۱). دعای شیعی به این نکته معرفتی و تعالی‌بخش توجه داشته و با توجه‌دادن نیایشگر در ضمن دعا به معاد و اینکه چه هول و سرنوشتی در پیش دارد: «مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَيُّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَ أَيُّهَا أُنْسِي وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى كَيْفًا وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَ أَدْهَى» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۳/۱) و نیز با اشاره به سكرات مرگ و ویژگی‌های عالم قبر: «فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّاي أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَيَّ ظَهْرِي» (همان: ۷۲) انسان را در ضمن مناجات به تفکر در احوال

قیامت واداشته و زمینه بیداری از غفلت را در شخص فراهم می‌کند. در نتیجه فرد نیایشگر به فکر مستعدشدن برای این عوالم می‌افتد که راه آن نیز تزکیه نفس و دوری از رذایل است (شمس: ۹-۱۰). دعا در ضمن تبیین چشم‌اندازی از جهان ابدی و ویژگی‌های انسان در زمینه این میل معرفت‌بخشی می‌کند.

۵. میل به حق‌شناسی و شکر منعم

انسان به گونه‌ای است که در برابر لطف و نعمتی که از کسی می‌بیند خود را مدیون او می‌داند و درصدد جبران یا حداقل تشکر برمی‌آید: «الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَّا يُفْكُهُ إِلَّا شُكْرٌ وَ مَكْفَأَةٌ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳). این میل در اعماق فطرت انسان ریشه دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۱/۲۵۵-۲۵۶). این انگیزه از جمله محرک‌های مهم و تأثیرگذار است که انسان را به انجام‌دادن کار و عملی متناسب با شکر و سپاس‌گزاری سوق می‌دهد.

فرد در ضمن نیایش با الطاف و نعمت‌های الهی عطا شده به خود آشنا می‌شود. امام سجاد (ع) در دعای اول صحیفه خداوند را به دلیل نعمت عطا کردن ابزار تصرف در طبیعت، لقمه پاک، نعمت زندگی (الصحیفه السجادیة: ۳۰) و نیز نعمت شناساندن خویش، راهنمایی به سوی توبه (همان: ۲۹-۳۰) در خور شکر می‌داند. در دعا نعمت لطف و عنایت خداوند در این دنیا (ابن‌طاووس، ۱۳۷۶: ۱/۱۵۹) از یک سو و توجه‌دادن به عفو و بخشایش خداوند (همان) لحاظ شده و میل و انگیزه شکر منعم انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با فعال‌شدن این میل انگیزه‌ای قوی برای تشکر از خداوند در فرد به وجود می‌آید.

۶. انگیزه منفعت‌طلبی (امید)

تحریک انگیزه منفعت‌طلبی نقش مؤثری در تربیت و رشد و تکامل معنوی انسان و جهت‌گیری او به سوی نیل به کمال و فضایل دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۱/۲۵۹). خداوند از این میل به منظور ایجاد انگیزه برای رسیدن انسان به سعادت استفاده کرده و با ذکر بهشت و نعمت‌های آن (سجده: ۱۷)، انسان را برای رسیدن به بهشت و فتح قله‌های کمال ترغیب می‌کند (آل‌عمران: ۱۳۳).

دعای شیعی نیز از این میل و انگیزه برای تربیت و تعالی انسان بهره می‌برد. با تشویق انسان به دعا و وعده اجابت در روایات و آیات (غافر: ۶۰) انسان برای برآورده شدن حاجت‌هایش به دعا روی می‌آورد. دعای شیعی در قالب و زبان دعا به خدا عرضه می‌دارد که سررشته کارها در دست خدا است و محل صدور آنها نسبت به قضای الهی فرمان‌بردار است؛ و حتی اگر در نوع حاجت‌خواهی فرد نداند که چه بخواهد، از خدا می‌خواهد که مرا به مصالح خویش رهنمون نما و دل مرا به سوی آنچه مایه رشد من است جهت ده؛ خدایا تو کسی هستی که امر به دعا و ضمانت اجابت کردی، و هر که به سوی تو با رغبت روی آورد ناامید نخواهد شد و هیچ دستی خالی از درگاه تو باز نخواهد گشت. در ادامه، به نیایشگر این معرفت را می‌دهد که خدا در هر خیری امیدبخش است و بنده در هر لغزشی از عذابش ایمن؛ خدایی که در برابر اندک بسیار خواهد بخشید و این خدایی است که به آنکه از او بخواهد از روی رحمت و محبت عطا خواهد کرد و حتی به آنانی که از او نمی‌خواهند و او را نمی‌شناسند عطا می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶/۱).

بنابراین، دعا انسان را با منبع و سرچشمه فیض آشنا می‌کند و بستری برای تأمین و ارضای این میل فطری فراهم می‌آورد. سپس در ضمن قرارگرفتن در نیایش، فرد با استفاده از دعاها و معارف آنها، هم خواسته‌های مادی و معنوی خود را مطرح می‌کند و هم با خواسته‌ها و منافع جدیدی آشنا می‌شود. ضمن اینکه این خواسته‌ها را از منبع قادر مطلق می‌خواهد که فرد اطمینان دارد حتماً خداوند سمیع‌الدعاء ندای او را می‌شنود و پاسخی (بقره: ۱۸۶) مناسب خواهد داد.

۷. انگیزه رنج‌گریزی (خوف)

از جمله امیال انسان که در اصلاح و تربیت انسان بسیار تأثیرگذار است میل دفع الم یا رنج‌گریزی است. قرآن از این عنصر برای تربیت و اصلاح بشر استفاده کرده (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۲۶۱/۱) به گونه‌ای که به جای اینکه بفرماید برای هر قومی پیامبری فرستادیم همین معنا را با وصف «نذیر» بیان کرده است (فاطر: ۲۲). خوف چنان اهمیتی دارد که خداوند متعلق خوف از خدا را حرمان از قرب و لقای الهی دانسته و ترس از خداوند را زمینه وصول به بهشت معرفی می‌کند (نازعات: ۴۰-۴۱).

دعا در جهت نیل انسان به کمال بر این بُعد تأکید دارد. در دعای خائفان امام سجاد (ع) به غضب الاهی، عذاب حضرتش، آتش جهنم، رسوایی روز قیامت و مواقف سخت قیامت و ... ، که دامن‌گیر انسان غافل و معصیت‌کار خواهد شد، اشاره می‌شود (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۰۸) و انگیزه ترس را در انسان فعال می‌کند و انسان را به دوری از گناه و معصیت و کنارگذاشتن رذایل اخلاقی و اهتمام به تعالی و کمال خواهد کشاند.

۸. میل به آسایش و آرامش روانی

انسان با ایمان و اعتقاد به خداوند تکیه‌گاهی محکم و پشتوانه‌ای قوی می‌یابد. از این رو احساس آرامش خاطر و اطمینان نفس می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۲۶۴/۱). دعا که پروردگار عالم آن را عبادت شمرده و به آن امر فرموده و استکبارکنندگان از آن را نکوهش کرده است (غافر: ۶۰) از مصادیق یاد خدا است که به زمان یا مکان خاصی محدود نیست و هر وقت و هر جا و در همه حالتی انسان می‌تواند از طریق دعا با خدایی که همه چیز در دست او است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۶/۱) رابطه برقرار کند. انسان در ضمن دعای شیعی با خدایی ارتباط برقرار می‌کند که بر اساس شناخت‌هایی که در ضمن دعا به انسان داده می‌شود خدایی است که از همه با انسان مهربان‌تر است و او رب انسان است؛ خدایی است که همه امور در دست او است و او بر همه کارها توانا است. این خدا به انسان اذن و دستور دعا داده و وعده اجابت کرده است. از این رو فرد نیایشگر با ارتباط و دعای با حضرتش و وعده اجابت از سوی او بسیاری از نگرانی‌های ناشی از نقص، ضعف، مشکلات و ترس از آینده و اضطراب و نگرانی ناشی از گناه را در سایه دعا و درخواست از خداوند قابل برطرف‌شدن دانسته و از این رو دعای به محضر پروردگار متعال برای انسان آرامش و دوری از اضطراب را به ارمغان خواهد آورد.

۹. محبت

محبت در لغت به معنای میل شدید است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵۱/۲) و در اصطلاح میل طبع به چیزی که برایش لذت‌بخش است (نراقی، ۱۳۸۵: ۴۱۸/۲). محبت حالتی است که در دل موجودی ذی‌شعور معطوف به چیزی که با وجود او ملایمت دارد و با تمایلات

و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد پدید می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۱/۳۱۵). پس محبت به طور کلی همان میل و کشش درونی انسان به سوی آنچه برای فرد کمال و به تبع آن لذت تلقی می‌شود خواهد بود که در درون همه انسان‌ها این میل وجود دارد، هرچند پس از ادراک کمال و ملایمت فعلیت می‌یابد و آنگاه که مطلوب و ملائم درک شود، که ممکن است مطلوب قوه عاقله یا مطلوب قوه شهویه یا مطلوب قوه غضبیه باشد (نک: نراقی، ۱۳۸۵: ۱/۴۱۹-۴۲۰)، محبت نسبت به آن به وجود می‌آید.

انسان به گونه‌ای است که اگر به او احسان شود نسبت به احسان‌کننده محبت پیدا می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۵). یادآوری نعمت‌ها و الطاف بی‌انتهای الهی به بنده، باعث ایجاد محبت خدا در دل انسان می‌شود. «احسان فطرت انسان را بیدار می‌کند و محبت خدا را که در فطرت وی ریشه دارد برمی‌انگیزد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ۱/۱۷۱). محبت اکسیری است که امام صادق (ع) دین را چیزی جز محبت (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۶۳) نمی‌داند و در دعا عرضه داشته می‌شود: «بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَأِقِينَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱/۱۳۶)؛ خدا آرزوی افراد مشتاق است.

دعاهای مأثور در واقع راهنمایی برای پرواز روح انسان و نقشه‌ای زیبا از نحوه این ارتباط را به انسان آموزش می‌دهد و گام‌به‌گام انسان را به اوج می‌رساند. دعا از دو راه باعث احیا و رشد محبت انسان به خدا می‌شود؛ نخست، توجه‌دادن انسان به نعمت‌های الهی (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۵۸۹). توجه به این حقایق محبت خدا در دل انسان را افزایش می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱/۱۶۸). دوم، توجه‌دادن نیایشگر بر بعد عیب‌پوشی و بخشایش از سوی خداوند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «أَنَا لَا أُنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي وَ سَتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱/۷۲). انسان در دنیا خطاها و گناهانی را مرتکب می‌شود که خداوند متعال آنها را می‌پوشاند تا آبروی انسان نرود: «وَيَلِي لَوْ عَلِمْتَ الْجَبَالَ بَدْنُوبِي لَدَهْدَهْتَنِي وَ يَا وَيَلِي مَنْ فَعَلِيَ الْقَبِيحِ وَ عَمَلِيَ الْحَبِيثِ وَ فَضَّاحِ جَرِيرَتِي وَ يَا وَيَلِي لَوْ ذَكَرْتُ لِلْأَرْضِ ذُنُوبِي لَأَبْتَلَعْتَنِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۳۶۸/۹۴).

انسان نیایشگر در عین گناه و خطا و تقصیر در حق پروردگار، وقتی در برابر خدایی قرار می‌گیرد که پرده‌پوش و ستار است، به گونه‌ای که حتی وقتی بنده به سوی او روی می‌آورد چنان به او محبت می‌کند که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَأَا ذَنْبَ لِي» (عاملی کفعمی، ۱۴۱۸: ۲۰۵)، احساس شور و محبت بی‌نظیری به این خدای مهربان و

ستار می‌کند. پس توجه به نعمت‌های الهی و توجه به عیب‌پوشی و ستاریت خداوند در انسان احساس محبت را به خداوند بیدار و فعال می‌کند و رشد می‌دهد.

۱۰. جهت‌دهی امیال

به طور کلی، دعا باعث تغییر جهت میل نیایشگر می‌شود. وقتی خداوند ببیند که بنده‌اش اغلب مشغول به خدا و ذکر او است میلش را در سؤال و مناجات خود قرار می‌دهد (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۶: ۲۶؛ حر عاملی، ۱۳۸۰: ۳۲۱). از آنجایی که بسیاری از آنچه انسان اراده می‌کند و به مرحله عمل می‌رساند از گرایش‌های انسان سرچشمه می‌گیرد، اشتغال به خداوند که یکی از بهترین مصداق‌های آن عبادت است و دعا خود بهترین عبادت است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۶/۲)، در صورتی که مداومت داشته باشد و با توجه کامل صورت گیرد سبب می‌شود میل و گرایش انسان به خداوند جهت‌دهی شود و در نتیجه مناجات و دعاخواندن برای او چنان لذت‌بخش خواهد بود که این لذت را در چیز دیگری نخواهد یافت. نتیجه این تغییر میل چنان خواهد بود که هیچ لذتی از جمله لذت گناه یا حتی لذت توجه به غیرخدا توان رویارویی با این لذت مناجات و دعا را نخواهد داشت. پس توجه انسان فقط به خدا و مناجات با او معطوف خواهد شد، و از این‌رو قلب و اراده و در نهایت عمل او فقط متوجه خدا می‌شود و از او اراده‌ای جز اراده خداوند صادر نخواهد شد.

نتیجه

از آنچه بیان شد، به دست آمد که دعای شیعی بر امیال متعالی انسان از جمله کمال‌طلبی، حقیقت‌جویی، خداجویی و خداپرستی، میل به بقا، میل به آرامش، منفعت‌طلبی، امید، و محبت اثر می‌گذارد و باعث به فعلیت رساندن آنها می‌شود و در نتیجه باعث تعالی و کمال انسان خواهد شد.

در زمینه معرفت‌بخشی، که مقدمه انگیزه و میل است، دعای شیعه به بیان تفصیلی اسماء و صفات خدا، حقیقت انسان و انسان کامل، اوصاف معاد و ... می‌پردازد و از این طریق سبب معرفت‌افزایی و در نتیجه ایجاد میل و انگیزه می‌شود. در زمینه تأمین میل حقیقت‌جویی، دعای شیعی با محوریت توحیدی این میل را به نحو صحیحی پاسخ‌گو

است. دعای شیعی بر توازن بین خوف و رجا تأکید می‌کند و با تأکید بر عبودیت انسان میل به پرستش و کرنش درون انسان را از طریق تذلل و عبودیت در درگاه خدا پاسخ می‌دهد. همچنین، به شکل گسترده به مسئله معاد و قیامت می‌پردازد و از این طریق از آثار سازنده توجه به معاد در تعالی انسان بهره می‌برد.

منابع

- قرآن مجید.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶). *الاقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول جدید.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹). *إقبال الأعمال (ط - القديمة)*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۶). *التحصين في صفات العارفين من العزلة والخمول*، قم: مدرسة الامام المهدي (عج)، چاپ دوم.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). *علة الداعي و نجاح الساعي*، بی‌جا: دار الکتب الإسلامية، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: نشر دار صادر، الطبعة الثالثة.
- امینی، محمدعلی (۱۳۹۰). *نقش تربیتی نیایش از منظر قرآن و عهدین*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنيف غرر الحكم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان (زیر نظر: محمود فتحعلی) (۱۳۹۲). *انسان، راه و راهنماشناسی*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). *الجواهر السنية في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)*، تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصيل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۱۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، الطبعة الاولى.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵). *المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة و جنة الايمان الباقیة)*، قم: دار الرضی (زاهدی)، چاپ دوم.

عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸). البلد الأمين والدرع الحصین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.

عبداللهی، مهدی (۱۳۹۰). کمال نهایی انسان و راه تحصیل آن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

علی بن الحسین (ع) (۱۳۷۶). الصحیفة السجادية، قم: نشر الهادی، چاپ اول.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ ششم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ، قم: دار الحدیث، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۳). زاد المعاد - مفتاح الجنان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.

محمد بن جعفر (۱۴۱۹). المزار الكبير (لابن المشهدی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶). بر درگاه دوست، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ الف). اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴ ب). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). ترجمه قرآن کریم، قم: امیرالمؤمنین.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). شرح دعای سحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نراقی، مهدی (۱۳۸۵). جامع السعادات، ترجمه: کریم فیضی، قم: انتشارات قائم آل محمد.